

تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال در ایران (و برخی کشورهای در حال توسعه)

ابراهیم گرچی*

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

معصومه علیپوریان

کارشناس ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

حسین سرمدی

کارشناس ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

چکیده

در دهه‌های اخیر، در اقتصاد جهانی تغییرات خیلی سریع به وقوع پیوسته که موجب تغییر شکل ساختار اشتغال در مقیاس جهانی و ادغام بیشتر اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی شده است. همچنین حجم تجارت جهانی و جریان سرمایه بین کشورها به بالاترین سطح خود از لحاظ تاریخی رسیده است. فناوری ارتباطات و حمل و نقل موجب ایجاد شبکه‌های پیچیده بین‌المللی تولید گشته و تولیدات صنعتی و صادراتی کشورهای در حال توسعه، بویژه کشور چین و عرضه جهانی آنها، به سطح بی سابقه‌ای رسیده است. تغییرات اساسی در سیاست‌های اقتصادی، پروسه (جریان) جهانی شدن را همراهی می‌کند. تاکید این سیاست‌ها بر روی نرخ پایین تورم، آزادسازی بازارها، کاهش تصدی دولت و بخش عمومی و گسترش جریان فرامرزی کالاها و خدمات و امور مالی است. در این مقاله، رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و سطح اشتغال در ایران و برخی کشورهای در حال توسعه برای دوره زمانی ۱۹۸۸-۲۰۰۴ از طریق روش رگرسیونی داده‌های تلفیقی بررسی شده است. براساس یافته‌های تحقیق، شاخص نسبت صادرات و واردات به کل GDP به عنوان شاخص جهانی شدن اقتصاد در مورد کشورهای مورد مطالعه، معنی دار و مطابق تئوری می‌باشد. شاخص نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به کل تشکیل سرمایه ناخالص داخلی به عنوان دیگر شاخص جهانی شدن، مطابق با

E.Gorji@gmail.com

* (نویسنده مسئول):

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۱۸

تئوری بوده، اما ضریب آن بی معنی است. با افزایش میزان تولید کالاها و خدمات و نسبت صادرات با تکنولوژی بالا به کل صادرات در این کشورها سطح اشتغال افزایش یافته، که این امر مطابق با تئوری واز لحاظ آماری معنی دار است. همچنین با افزایش سطح دستمزدها، سطح اشتغال در کشورهای مورد مطالعه، مطابق با تئوری، کاهش یافته است.

واژه های کلیدی: جهانی شدن اقتصاد، اشتغال، بازار کار، کشورهای در حال توسعه

طبقه بندی JEL: F16J81

The impact of the Globalization of Economic on Employment in Iran and some other developing countries

Ebrahim Gorji

associate professor Faculty of Economics, Tehran University

Masomeh Alipourian

M.A in Faculty of Economics, Tehran University

Husain Sarmadi

M.A in Faculty of Economics, Tehran University

Abstract:

Sweeping changes have taken place in the world's economy in recent decades, changes that have reshaped the structure of employment on a global scale. National economies are now more integrated into the global system more than any other time in the recent past. The volume of international trade and the magnitude of cross-border capital flows have reached historically high levels. Advances in communication and transport technologies have led to the establishment of complex international production networks, with developing countries producing an unprecedented level of manufactured exports within global supply chains. Fundamental shifts in economic policies have accompanied the process of globalization.

The purpose of this paper is the analysis of the relationship between economic globalization and employment in Iran, Turkey, Malaysia, Indonesia, Philippines, Egypt and Marco, from 1988 to 2004, with the approach of panel data and fixed effect method. The results show that the coefficient of Export and Import shares of GDP, as an index of economic globalization in these countries, is significant and positive. The coefficient of Foreign Investment is insignificant and positive. Production and High Technology Export share of Total Export have a direct

relationship with employment. Moreover, the wages have negative effect on the employment. All of the coefficients are consistent with the prediction of the theoretical studies.

Keywords: The globalization of economic, Employment, Labor market, Developing countries.

JEL: J81,F16

۱- مقدمه

"برای عده ای جهانی شدن همچون ابزاری برای پیشرفت بوده است. جهانی شدن، ثروت به وجود آورده، فرصت‌ها را افزایش داده و محیط مساعدی برای فعالیت اقتصادی به وجود آورده است، ولی برای عده ای دیگر، جهانی شدن باعث تشدید نابرابری‌ها و ناامنی شده است و آنها از این بیم دارند که جهانی شدن خطرات زیاد، ولی عواید ناچیزی در برداشته باشد. جهانی شدن باید خواسته‌های کارگران و خانواده‌های آنها را که یک شغل شایسته، امنیت و داشتن نقشی در فرایند تصمیم‌گیری است در همه جا برآورده سازد. مردم می‌خواهند سهم بیشتری از منافع احتمالی جهانی شدن داشته باشند. این به معنای دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر و ارتقای توسعه همراه با عدالت اجتماعی در چارچوب اقتصادهای باز و جامعه‌های باز است. (ILO,2004).

با توجه به ابعاد وسیع اثرگذاری جهانی شدن بر اقتصاد کشورها، در این مقاله جهانی شدن اقتصاد از منظر آثار تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری بر اشتغال ارزیابی می‌شود. این پدیده از طریق گسترش و تعمیق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، افزایش تجارت در قالب رشد صادرات و واردات بخش‌ها، اثرگذاری از ناحیه گسترش بازارهای مالی، افزایش رقابت‌پذیری در بخش‌های مختلف اقتصادی، ارتقای فناوری و سرمایه‌گذاری‌های نوین، اقتصاد و به دنبال آن بازار کار را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این مقوله‌ها می‌تواند بازار کار ایران را نیز در تعامل با اقتصاد جهانی تحت تاثیر قرار دهد. همچنین جهانی شدن بر انعطاف‌پذیری بازار کار، اصلاح دستمزدها و شفاف شدن عملکرد نهادهای موجود در اقتصاد تاثیر می‌گذارد. در این مطالعه به بررسی آثار فرایند جهانی شدن اقتصاد بر سطح اشتغال در برخی از کشورهای در حال توسعه (ایران، ترکیه، مالزی، اندونزی، فیلیپین، مصر و مراکش) با تاکید بر مورد ایران خواهیم پرداخت. ابتدا به مفهوم جهانی شدن اقتصاد و آثار آن بر اشتغال اشاره شده، سپس نظریه‌های مربوط به تجارت

ورابطه آن با اشتغال، شواهد تجربی تاثیر جهانی شدن بر بازار کار، جهانی شدن و بازار کار در ایران مورد بحث قرار گرفته، در ادامه داده‌ها و روش تخمین مدل، بررسی مدل تحقیق و نتایج تجربی مدل ارائه گردیده و در پایان، نتیجه گیری و پیشنهادها آورده شده است.

۲- مفهوم جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن اقتصاد به معنای رشد و گسترش تجارت جهانی در اقتصاد باز، روبه رشد وبدون مرز بین المللی است. چنین رشدی در مبادلات بین المللی نه تنها شامل تجارت کالاها و خدمات است، بلکه تبادل پول‌های رایج، تحرک سرمایه، مهاجرت نیروی انسانی، انتقال تکنولوژی و تبادل اطلاعات را نیز در سطح وسیع دربرمی گیرد.. (Michael D. 2004) منشأ پیدایش جهانی شدن را در چند دهه اخیر می توان در چند عامل جستجو کرد:

عامل اول: پیشرفت‌های تکنولوژیکی است، که به طور قابل ملاحظه ای هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات، پردازش اطلاعات، ذخیره سازی و بازیابی اطلاعات را کاهش داده است. این پیشرفت‌ها ناشی از تحول در کامپیوتر و گسترش شبکه جهانی وب و اینترنت و به کارگیری وسیع آن در تبادل اطلاعات و دانش روبه گسترش جهانی است.

عامل دوم: آزادسازی تجاری و کاهش حمایت‌های تجاری و جهت دهی اقتصاد به سمت یک سیستم باز تجاری است. روند توسعه یافته آزاد سازی از قرن گذشته آغاز شد، ولی جنگ جهانی دوم و رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ در آن وقفه ایجاد نمود. این روند بعد از جنگ جهانی دوم با گرایش ملت‌ها به سمت تجارت آزاد ادامه یافت و منجر به امضای موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) از سوی کشورها در سال ۱۹۴۶ شد، که نتیجه آن کاهش قابل ملاحظه ای در تعرفه‌ها و دیگر موانع تجاری بود.

سومین منشأ پیدایش جهانی شدن: تغییرات بوجود آمده در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است. شرکت‌هایی که تولید آنها بر بازار محلی متمرکز بود، دامنه حضورشان را به بازارهای ملی و بین المللی بسط داده اند. این تغییر ساختاری، موجب افزایش قدرت، سود و کارایی در تولید این شرکت‌های چند ملیتی شده است. تقریباً ۱/۳ کل تجارت جهانی در حیطه سرمایه گذاری‌های این شرکت‌هاست. از دید برخی، این شرکت‌ها، تهدیدی برای استقلال یک کشور محسوب می‌شوند.

اما با اینکه این شرکت‌ها، قدرتمند هستند، دولت‌های ملی هنوز نقش مسلط خود را در اقتصاد جهانی و سیستم سیاسی حفظ نموده اند.

چهارمین دلیل برای جهانی شدن اقتصاد: همگرایی ایدئولوژیکی بر روی ارزش اقتصاد بازار و سیستم تجارت آزاد بوده است. این روند با تغییرات سیاسی و اقتصادی که در نتیجه اصلاحات سال ۱۹۷۸ در چین آغاز شد، شروع و سپس منجر به یک سری تحولات در اروپای شرقی و مرکزی در سال ۱۹۸۹ گردید و با انحلال اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ خاتمه پیدا کرد. دلیل پنجم برای جهانی شدن: توسعه فرهنگی با جهانی کردن رسانه‌های جمعی، هنر، فرهنگ عمومی و استفاده وسیع از زبان انگلیسی برای ارتباطات جهانی است.

۳- آثار جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال

امروزه جهانی شدن، هم فرصت‌هایی را فراهم نموده وهم با چالش‌هایی روبرو است. یکی از این چالش‌ها، مسئله اشتغال است. با ادغام بیشتر اقتصادها در اقتصاد جهانی، ساختار اشتغال تغییر کرده و موجب ایجاد فرصت‌های شغلی زیاد برای افراد با مهارت‌های بالا و از دست دادن فرصت‌های شغلی برای افراد با مهارت پایین شده است. فرصت‌های شغلی جدید که در کشورهای در حال توسعه ایجاد شده، منجر به رشد تولیدات صادرات طلب، کاهش فقر و افزایش درآمدها شده است، اما مخالفت‌های زیادی را در پی داشته است. زیرا بسیاری از فرصت‌های شغلی جدید نیازمند مهارت‌های خاصی است که موجب به جا ماندن خیل کارگران فقیری است که مجبورند به صورت دوره ای کار کنند. اگر همراه با رشد اقتصادی، اشتغال نیز افزایش یابد، منافع رشد، در سطح وسیعی توزیع می‌شود. افزایش فرصت‌های شغلی، منابع درآمدی بهتر و جدیدتری را فراهم می‌کند و بدین ترتیب، گسترش کمی و کیفی فرصت‌های شغلی، موجب کاهش فقر از طریق رشد اقتصادی، می‌گردد (Standing, Guy 1993).

۴- نظریه‌های مربوط به تجارت و رابطه آن با اشتغال

بر اساس قضیه استالپر- سامونلسون در فرایند جهانی شدن اقتصاد و به تبع آن آزادسازی تجاری در هر کشور واردشونده به این فرایند، تقاضا برای نهاده تولیدی که نسبتاً در آن کشور فراوان

تراست افزایش می‌یابد و در نتیجه قیمت آن نهاده نیز افزایش خواهد یافت. حال از آنجا که در کشورهای توسعه یافته، نیروی کار ماهر و در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار غیر ماهر فراوان وجود دارد، با برقراری تجارت آزاد در بین این دو گروه از کشورها، تقاضا برای کارگران ماهر و به تبع آن سطح دستمزدها در کشورهای توسعه یافته و سطح اشتغال و دستمزد کارگران غیر ماهر در کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت.

بر طبق نظریه نوین تجارت با افزایش تجارت و نیز گسترده شدن مقیاس تولید، هزینه‌های تولید کاهش می‌یابد و به تبع آن قیمت کالاها کاهش خواهد یافت. بر اساس این نظریه همچنین تغییر در تقاضای عامل تولیدی همچون نیروی کار بستگی به تکنولوژی به کار رفته در بنگاه‌های تولیدی دارد یا اینکه بر طبق سلیقه بنگاه‌ها اینکه می‌خواهند چه کالاهایی را تولید کنند، می‌باشد.

بر طبق نظریه تجارت بر پایه تکنولوژی توام با نیروی کار با مهارت بالا، می‌توان نیروی کار ماهر را به عنوان مکملی برای سرمایه عنوان کرد. در فرایند جهانی شدن و آزادسازی اقتصادی، کشورهای توسعه یافته که در تولید کالاهای سرمایه بر مزیت نسبی دارند به تولید و صادرات این کالاها اقدام خواهند کرد، که این امر مستلزم استفاده گسترده از عامل سرمایه در خط تولید است. بنابراین در فرایند آزاد سازی اقتصادی ارتباط گسترده معنی داری بین کارگران با مهارت بالا و سرمایه و نیز رابطه ای معکوس بین کارگران غیر ماهر و سرمایه وجود دارد که این امر سبب افزایش تقاضا و نیز سطح دستمزدهای نیروی کار ماهر گشته و در عوض موجب کاهش تقاضا و دستمزد برای نیروی کار غیر ماهر خواهد شد. بدین ترتیب، از سطح اشتغال نیروی کار غیر ماهر کاسته خواهد شد (Salvatore, D 1997).

۵- شواهد تجربی تاثیر جهانی شدن بر بازار کار (پیشینه تحقیق)

اقتصاددانان تاثیر جهانی شدن بر بازار کار را از زوایای مختلفی تحلیل کرده‌اند. از زاویه افزایش درجه رقابت پذیری و انعطاف پذیری بازار کار، برخی معتقدند جهانی شدن نهادهای بازار کار از جمله قوانین و مقررات مربوط به آن را دچار تغییر می‌کند، زیرا در فرایند جهانی شدن، بنگاه‌ها در استخدام عوامل تولید از آزادی عمل بیشتری برخوردارند. محدودیت‌های حاکم بر رفتار بنگاه‌ها در جذب و بکارگیری عوامل تولید کاهش و نهادهای بازار کار به سمت رقابتی تر

شدن افزایش می‌یابد. (Box 1995) معتقد است تعامل وسیع با اقتصاد جهانی موجب انعطاف پذیری و شفافیت در بازار کار می‌شود و شرایط قراردادهای کار از دائمی به قراردادهای موقتی و پاره وقت تغییر می‌یابند. مطالعات دیگر، پیامدهای جهانی شدن را از منظر اثر گذاری بر دستمزدها مطالعه نموده اند. (Corod2001) در کشور ژاپن به موضوع ارتباط جهانی شدن و افزایش تقاضای نیروی کار ماهر پرداخته است. وی تفاوت ساختار بازار کار ژاپن را از نظر میزان حمایت با بازار کار انگلستان و آمریکا که میزان حمایت از نیروی کار کمتر است، مورد توجه قرار داده است. (Rodrik2002) از منظر دیگر آثار تجارت جهانی بر بازار کار را بررسی کرده و دریافته اند افزایش تجارت منجر به کاهش سطح دستمزد و اشتغال نیروی کار غیر ماهر در نتیجه تغییر فناوری می‌شود. برخی الگوها در سطح بنگاه‌های و در قالب مدل‌های خرد اقتصادی آثار جهانی شدن بر بازار کار را انجام داده اند. (Lahcen.& Khalid 2004) در مراکش در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۴ با بررسی تأثیر اصلاح سیاست‌های تجاری بر اشتغال و دستمزد نشان می‌دهند در بخش‌هایی که از طریق اصلاحات تجاری اثر پذیرفته اند سطح اشتغال کاهش یافته است. در آمریکای لاتین، آزادسازی تجاری، آثار منفی بر سطح اشتغال و دستمزدها داشته است. این موضوع به ویژه در بخش‌هایی از اقتصاد شیلی اتفاق افتاده است که قبل از آن به نوعی حمایت می‌شدند. هانسون و هریسون در اقتصاد شیلی به شواهد مستحکمی دال بر افزایش شکاف دستمزدی بین کارگران ماهر و غیرماهر در فرایند جهانی شدن دست یافته اند. طبق نظر هریسون (۱۹۹۷) اصلاح سیاست‌های تجاری موجود تأثیر بیشتری بر بخش‌هایی دارند که از نیروی کار غیر ماهر استفاده می‌کنند. این موضوع در اقتصاد چین و برخی دیگر از کشورها تا حدود زیادی تجربه شده و میزان اثر گذاری آن به عواملی از جمله اندازه بنگاه، نوع تولید و قیمت عوامل بستگی دارد و نقش سیاست‌های کلان در این خصوص نیز مهم است. (Morira & Najberg 2000) ساختار سطح اشتغال را در اقتصاد برزیل در دهه ۱۹۹۰ مطالعه کردند و دریافتند که اثر منفی اولیه بر اشتغال به واسطه اصلاحات تجاری در بخش صنعت ملموس تر است.

علی اکبر ناجی میدانی (Naji M. 1961-2000) در رساله دکتری خود ضمن معرفی انواع شاخص‌های مختلف جهانی شدن، آثار این فرایند را بر رشد اقتصادی، اشتغال و توزیع درآمد در ایران بررسی نموده و با اجرای مدل‌های رگرسیونی و آزمون‌های هم‌انباشتگی یوهانسن جوسلیوس و علیت گرنجری در یک دوره زمانی ۴۲ ساله (1961-2000) با استفاده از نسبت " تجارت به

GDP" به عنوان شاخص جهانی شدن اقتصاد، نشان می‌دهد این فرایند در ایران سطح تولید سرانه و نرخ رشد اقتصادی را افزایش و نرخ بیکاری را به مقداری اندک کاهش می‌دهد.

۶- جهانی شدن و بازار کار در ایران

انتظار می‌رود در فرایند جهانی شدن، بازار کار انعطاف پذیرتر، شفاف تر و قوانین و مقررات بازار کار به نحوی اصلاح شود که منافع کارفرمایان نیز بر مبنای متغیرهای اقتصادی تعیین شود. چون تقاضای نیروی کار تابع سطح تولید، دستمزدهای واقعی، هزینه استفاده از سرمایه واقعی، فناوری تولید، و قوانین و مقررات بازار کاری باشد، بهبود در آنها می‌تواند بازار کار و تقاضا برای اشتغال را متاثر سازد. در روند جهانی شدن بازار کار انعطاف پذیرتر و بنگاه‌ها در استخدام عوامل تولید از آزادی عمل بیشتری برخوردار می‌شوند، از این رو می‌تواند در چارچوب مذکور و با توجه به ترکیب تولید و هزینه، نیروی کار و سرمایه خود را استخدام نمایند. بر اساس قانون کار باید دستمزدی به شاغلان پرداخت شود که معیشت و مایحتاج آنان در دوران کاری تضمین شود و ایزار لازم برای تشویق و تنبیه نیروی کار را در خود داشته باشد. دو طرفه بودن قانون کار و الزامات آن در قالب کار مناسب با دستمزد خوب و برخورداری از انعطاف پذیری در حل مشکلات ایجاد شده از دیگر مقوله‌هایی است که یک قانون کار مناسب باید از آن برخوردار باشد. مقوله انعطاف پذیری تابع اختیار مدیران بنگاه‌ها است که در استخدام و اخراج نیروی کار دارای قدرت و اختیارات کافی باشند و توسط عامل قانونی محدود نشده باشند (قانون کار، ۲۰۰۱).

قانون کار به لحاظ قانونی گسترده و برای همه بخش‌های اقتصادی اعم از صنعت، کشاورزی و خدمات، مقررات یکسانی وضع نموده است. ماهیت متفاوت تولید بخش‌ها، ناهمگن بودن آن در بخش‌های مختلف، کارایی این قانون را کاهش می‌دهد (Behkish, M. 2001).

تعهدات یک طرفه برای کارفرمایان و صاحب کاران اقتصادی و عدم توجه به بهره‌وری نیروی کار، میزان شفافیت و کارایی بازار کار را کاهش می‌دهد. همچنین وجود محدودیت‌هایی نظیر تعدیل نیروی کار مدیران جدید و حفظ کارگران با همان شرایط سابق (ماده ۱۲ قانون کار) و مصداق این موضوع در مورد خاتمه قرارداد کار از محدودیت‌های اساسی کارفرمایان در بازار کار ایران محسوب می‌شود. در قانون کار ایران اجازه فسخ کار از سوی کارفرما داده نشده، ولی کارگر مجاز به

استعفا و خاتمه دادن به قرارداد کاری باشد. ماده ۲۱ قانون کار بر چنین موضوعی تأکید دارد. عدم امکان تغییر شرایط کار (از نظر نوبت کاری، افزایش یا کاهش تعداد کارگران خط تولید) نیز در ماده ۲۶ مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین کارفرمای اقتصادی قادر نیست تغییر اساسی در شرایط کار کارگران به وجود آورد (Nazari, M. 2000).

مقوله امنیت شغلی کارگران مورد دیگری است که در قانون کار ایران وجود دارد. قرارداد کار در بسیاری از کشورهای صنعتی جنبه موقتی دارد و کارفرما و کارگر هر موقع که نیاز به فسخ قرارداد کار باشد آن را فسخ می کنند. این مساله به امنیت شغلی کارگر صدمه ای وارد نمی کند. چون یک نظام تامین اجتماعی قوی و پاسخگوویک نظام جامع و فراگیر پرداخت بیمه بیکاری وجود دارد و از فشار روحی و ناامنی کارگرمی کاهند. به عبارت دیگر، کارکرد صحیح اقتصاد و مولفه های آن تابع شرایط اقتصادی است. در حقیقت این رونق و رکود اقتصادی است که امنیت شغلی را متاثر می سازد. بنابراین باید اذعان کرد امنیت شغلی اجباری از طریق قوانین و مقررات، موجب ناتوانی مدیران در اداره بنگاه ها می شود و عملکرد اقتصادی بنگاه ها را تحت تأثیر سویی قرار می دهد. در بسیاری از کشورها به جای چنین اجبارها و روش های قانونی، نهادهای تسهیل کننده بازار کار شامل مراکز کاریابی خصوصی و دولتی چنین نقشی را ایفا می نماید و دولت از طریق ایجاد و فعال نمودن چنین مراکزی و گسترش و تعمیق نظام بیمه بیکاری، انعطاف پذیری خاصی را در بازار کار به وجود آورده است.

در مجموع به نظر می رسد نواقص و کاستی های قانون کار در ایران قابل توجه است و این عوامل میزان انعطاف پذیری بازار کار و کارکرد ابزارهای مرسوم در آن را به شدت کاهش داده است. شرط مهم رقابتی شدن تولید، انعطاف پذیری عوامل تولید است. تداوم مشکلات موجود در قانون کار فعلی، مانع اساسی در این زمینه محسوب می شود (Baseri, B. 2005).

داده ها و روش تخمین مدل

در این تحقیق، برای برآورد مدل از داده های تلفیقی (Panel Data) استفاده شده و داده ها برگرفته شده از WDI ۲۰۰۵ می باشد. در ادبیات اقتصاد سنجی، اطلاعات مربوط به داده های ادغام شده سری زمانی و مقطعی را «داده های تلفیقی» می نامند (یعنی تلفیق مشاهدات مقطعی کشورها، خانوارها و... طی دوره های زمانی چند ساله).

داده‌های تلفیقی به دو صورت کلی اثرات ثابت (FIXED EFFECT) و اثرات تصادفی (RANDOM EFFECT) آزمون می‌شود که بسته به نوع داده‌ها و مناسب بودن مدل باید از یکی از آنها استفاده نمود. در ادامه، آزمون‌های لازم را جهت تشخیص اینکه از کدام روش استفاده شود توضیح خواهیم داد.

آزمون اول (آزمون برابری عرض از مبداها):

$$i \neq j$$

$$H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_N$$

$$H_1: \alpha_i \neq \alpha_j$$

آماره این آزمون دارای توزیع F می‌باشد و در واقع مثل این است که ما با دو مدل مقید و غیر مقید مواجه هستیم که در مدل مقید، عرض از مبداها ثابت و یکسان هستند. حال آماره آزمون را محاسبه و با آماره جدول مقایسه می‌کنیم. اگر آماره محاسبه شده بزرگ‌تر از آماره جدول باشد فرضیه H_0 رد می‌شود و رد شدن H_0 به این معنی است که عرض از مبداها برای مقاطع مختلف می‌باشد. استفاده از OLS در صورت رد شدن فرضیه H_0 ناسازگار بوده و کارایی هم نخواهد داشت (Gujarati, D.N, 2005).

$$F = \frac{(RSS_R - RSS_U) / (N - 1)}{RSS_U / (NT - N - K)} = \frac{(16.175 - 0.127) / 6}{0.127 / 100} = 2106.03$$

RSS_U : مجموع مجذورات پسماندهای مدل غیر مقید

RSS_R : مجموع مجذورات پسماندهای مدل مقید

N : تعداد مقطع‌ها

T : دوره زمانی

K : تعداد متغیرهای مدل

NT : تعداد مشاهدات تعدیل شده

آماره جدول برای درجه آزادی (۶۱۰۰) و برای سطح معنی داری پنج درصد تقریباً ۲.۱۹ می‌باشد؛ بنابراین به دلیل اینکه آماره محاسبه شده بسیار بزرگ‌تر از آماره جدول است آزمون معنی دار بوده و فرضیه H_0 رد می‌شود. رد شدن فرضیه H_0 به این معنی است که عرض از مبداها به‌طور معنی داری برای مقاطع مختلف متفاوت از هم می‌باشد.

آزمون دوم (گزینش بین RE و FE):

مسئله بعدی این است که باید مشخص کنیم از کدام روش برای تخمین داده‌های انباشته شده استفاده نماییم. در این قسمت این است که باید تعیین کنیم کدام روش مناسب تر است. برای این منظور از آزمون هاسمن، که در سال ۱۹۸۰ ارائه شده است، استفاده می‌کنیم:

α_s عرض از مبدأ مربوط به آماره هاسمن می‌باشد.

$$H_0: \alpha = \alpha_s$$

$$H_1: \alpha \neq \alpha_s$$

یا به عبارت دیگر، فرضیه صفر به این معنی است که ارتباطی بین جزء اخلاص مربوط به عرض از مبدأها و متغیرهای توضیحی وجود ندارد (از همدیگر مستقل هستند) در حالی که فرضیه مقابل به این معنی است که بین جزء اخلاص مورد نظر و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد و چون به هنگام وجود همبستگی بین جزء اخلاص و متغیرهای توضیحی با مشکل تورش و ناسازگاری مواجه می‌شویم، بنابراین بهتر است در صورت پذیرفته شدن H_1 (رد شدن H_0) از روش اثرات ثابت استفاده نماییم. تحت فرضیه H_0 هم F.E و هم R.E هر دو سازگار هستند. حال اگر b تخمین زن روش اثرات ثابت (LSDV) و $\hat{\beta}$ تخمین زن روش اثرات تصادفی (GLS) باشد داریم:

$$Var(b - \hat{\beta}) = Var(b) + Var(\hat{\beta}) - cov(b, \hat{\beta}) - cov(b, \hat{\beta})'$$

هاسمن تحت فرضیه H_0 می‌گوید که کوواریانس تخمین زن کارا با تفاضل آن از تخمین زن

ناکارا صفر است؛ یعنی:

$$Cov((b - \hat{\beta}), \hat{\beta}) = cov(b, \hat{\beta}) - var(\hat{\beta}) = 0$$

لذا داریم:

$$Var(b - \hat{\beta}) = Var(b) - Var(\hat{\beta}) = \sum$$

هاسمن اثبات می‌کند که آماره زیر دارای توزیع چی دو می‌باشد و آماره مناسبی برای آزمون

است:

$$W = [b - \hat{\beta}] \sum^{-1} [b - \hat{\beta}] \sim \chi^2_k$$

حال اگر آماره چی دوی محاسبه شده کوچک تر از آماره جدول باشد فرضیه H_0 رد نمی‌شود،

یعنی اینکه بین جزء اخلاص مربوط به عرض از مبدأها و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود ندارد و بین دو روش R.E و F.E اختلاف معناداری وجود ندارد و می‌توان از هر دو روش استفاده کرد.

واگر آماره چپی دوی محاسبه شده بزرگتر از آماره جدول باشد فرضیه H رد می شود یعنی اینکه بین جزءاخلال مربوط به عرض از مبداهاومتغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد و رد فرضیه H به این معنی است که به کار بردن روش R.E ، تخمین های ناسازگار به دست خواهد داد و باید از روش F.E استفاده شود (Noforesti, M.1999). مقدار آماره $\chi^2 = 2,17$ محاسبه شده برای آزمون هاسمن (که در جهت انتخاب روش تخمینی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی است) کوچکتر از مقدار بحرانی ۰۷ ، ۱۱ در جدول توزیع χ^2 می باشد؛ از این رو و لذا فرضیه H در این آزمون رد نمی گردد و استفاده از هر دو روش اثرات تصادفی و روش اثرات ثابت تخمین هایی سازگار خواهد داد.

بررسی مدل تحقیق

اکثر پژوهشگران در مقوله های کاربردی استفاده از رابطه لگاریتمی را به جای رابطه خطی ساده توصیه نموده اند. یکی از مزایای رابطه لگاریتمی نسبت به رابطه خطی ساده این است که به جای اصل متغیرها از لگاریتم آنها در مدل استفاده می شود. این اقدام اطلاعات و داده ها را موزون نموده و سهم مهمی را از مشکلات ناشی از ناهمسانی واریانس ها و همخطی بین متغیرهای توضیحی مرتفع می نماید. در این تحقیق به جای رابطه خطی ساده از رابطه لگاریتمی استفاده گردیده است. بنابراین معادله مورد استفاده برای بررسی اثر جهانی شدن روی اشتغال در مورد کشورهای مورد بررسی به صورت زیر است :

$$\text{LN LABOR}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LNGDP}_{it} + \alpha_2 \text{LNFDI}_{it} + \alpha_3 \text{LNWAGE}_{it} + \alpha_4 \text{LNTRADE}_{it} + \alpha_5 \text{LNTEC}_{it} + U_{it}$$

$$\text{LABOR}_{it} = \text{سطح اشتغال کل}$$

$$\text{GDP}_{it} = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{FDI}_{it} = \text{نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به سرمایه گذاری ثابت ناخالص داخلی}$$

$$\text{WAGE}_{it} = \text{پرداختی بابت جبران خدمات شاغلان}$$

$$\text{TRADE}_{it} = \text{نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{TEC}_{it} = \text{نسبت صادرات با تکنولوژی بالا به کل صادرات}$$

$$U_{it} = \text{جزء اخلال}$$

به این منظور از روش اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده گردیده و، دربرآورد مدل از دو دسته متغیر استفاده شده است: الف) متغیرهای مربوط به فرآیند جهانی شدن که TRADE و FDI می‌باشند؛ ب) متغیرهایی که اگر چه مربوط به فرآیند جهانی شدن نیستند، اما طبق تئوری‌های موجود در تجارت بین الملل با سطح اشتغال در ارتباط هستند نظیر GDP و WAGE.

نتایج تجربی مدل

معادله حاصل از تخمین مدل به صورت زیر است:

$$\text{LN LABOR}_{it} = \alpha_0 + 0.568 \text{LN GDP}_{it} + 0.51 \text{LN TRADE}_{it} + 0.0128 \text{LN TEC}_{it} + 0.007 \text{LN FDL}_{it} - 0.0279 \text{LN WAGE}_{it} + U_{it}$$

(۲۱.۷۲) (۳.۰۲) (۲.۹۶) (۱.۴۱) (-۳.۵۱)

مهم‌ترین معیار جهت بررسی باز بودن اقتصاد (openness) در سطح اقتصاد بین الملل عبارت است از نسبت تجارت (صادرات به علاوه واردات) به GDP. ضریب کشش تجارت به عنوان متغیر جهانی شدن در اقتصاد کشورهای مورد مطالعه ۰،۰۵۱ می‌باشد. کشش اشتغال نسبت به تجارت در این کشورها در خلال چند دهه، پایین بوده است. به اعتبار این ضریب افزایش تجارت و گسترش تعامل با اقتصاد جهانی در بهبود متغیرهای بازار کار و سطح اشتغال تأثیر مثبت خواهد داشت. ضریب به دست آمده گرچه مقدار بزرگی نیست (به علت حجم تجارت پایین برخی کشورهای مورد مطالعه همچون مصر، مراکش و ایران)، لیکن ضریب به دست آمده مثبت و مطابق با تئوری مطرح شده برای مدل می‌باشد.

متغیر سرمایه گذاری خارجی که نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کل تشکیل سرمایه ناخالص داخلی است، به عنوان متغیری دیگر از فرآیند جهانی شدن در مدل وارد شده است که در مورد کشورهای مورد مطالعه ضریبی مثبت (۰،۰۰۷) دارد که مطابق تئوری می‌باشد. اما این ضریب از نظر آماری در سطح ۵ درصد معنی دار نیست. احتمالاً با توجه به حجم اندک سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهایی نظیر ایران، مراکش و مصر (که اکثر سرمایه گذاری‌ها توسط دولت صورت می‌گیرد). و همچنین بحران مالی جنوب شرقی آسیا در سال‌های ۹۷ تا ۹۹ در کشورهای اندونزی، مالزی و فیلیپین این ضریب در این مدل معنی دار نیست. در مدل از متغیر GDP (به قیمت

دلار ثابت سال ۲۰۰۰) به عنوان متغیری که نمایانگر میزان ارزش تولیدات نهایی یک کشور در سال می‌باشد به منظور توضیح متغیر سطح اشتغال استفاده شده است. به اعتبار ضریب این متغیر که مطابق تئوری مثبت است، افزایش سطح تولیدات نهایی و گسترش تولید در بهبود متغیرهای بازار کار تأثیر مثبت خواهد داشت. نتایج برآورد نشان دهنده رابطه مثبت و معنی دار میان سطح تولیدات با سطح اشتغال در کشورهای مورد بررسی است. این ضریب ۰،۵۶ بوده و بازگو کننده کشش نیروی کار نسبت به تولید ناخالص داخلی است. ضریب بالا نشان می‌دهد به ازای یک درصد افزایش در GDP ۰،۵۶ درصد بر سطح اشتغال کشورها افزوده می‌شود.

کشش اشتغال نسبت به سهم صادرات کالا با تکنولوژی بالا در کل صادرات، به عنوان متغیری که تأثیر مثبتی بر اشتغال دارد، با توجه به نتایج به دست آمده از تخمین ۰،۰۱۲، می‌باشد که نشان می‌دهد اگر صادرات کالاهای با تکنولوژی بالا یک درصد افزایش یابد اشتغال به میزان ۰،۰۱۲ درصد افزایش می‌یابد، که نشان دهنده تأثیر مثبت صادرات با تکنولوژی بالا روی اشتغال است که با معانی نظری هم تطابق دارد.

سطح دستمزدها نیز به عنوان متغیری که تأثیر معکوسی بر سطح اشتغال کشورهای مزبور دارد به عنوان متغیری تأثیر گذار بر سطح اشتغال در مدل لحاظ شده است. ضریب کشش اشتغال نسبت به سطح دستمزد در مورد کشورهای مزبور ۰،۰۲۷- می‌باشد، که مطابق با تئوری مطرح شده است به طوری که با افزایش یک درصد در سطح دستمزدها سطح اشتغال به میزان ۰،۰۲۷ درصد کاهش خواهد یافت.

همان‌طور که از رابطه بالا قابل مشاهده است در این مدل، علامت تمامی ضرایب با مبانی نظری سازگار است. ضریب تعیین تعدیل مدل ۹۹۹، بوده که نشان دهنده قدرت توضیح دهندگی بالای مدل می‌باشد. تولید ناخالص داخلی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد، از این رو می‌بایست در تدوین سیاست‌های بازار کار بر این نکته توجه ویژه شود.

نتیجه گیری

یکی از برجسته ترین تحولات قابل توجه دهه‌های اخیر در اقتصاد جهانی، در هم آمیزی و ادغام رو به تزاید اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی است که آثار آن را می‌توان در افزایش بازرگانی بین المللی، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی دید. جهانی شدن

اقتصاد، فرایند ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد فراگیر جهانی است، که در آن تمام عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، زمین، مدیریت و...)، تکنولوژی و اطلاعات، آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کند و محصولات تولیدی (اعم از کالا و خدمات) نیز آزادانه به بازارهای کشورهای مختلف وارد می‌شود.

جدول ۱- برآورد مدل

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LOG(TFDI)	3.007393	0.005220	1.415234	0.1597
LOG(TGDP)	0.569021	0.026144	21.72694	0.0000
LOG(TTRADE)	0.051143	0.016385	3.028827	0.0031
LOG(TWAGE)	-3.027914	0.007946	-3.512865	0.0007
LOG(TTEC)	0.012604	0.004323	2.961670	0.0038
Fixed Effects				
IRAN-C	2.909515			
INDONESIA-C	4.090695			
EGYPT-C	3.047950			
MALAYSIA-C	2.040989			
MOROCCO-C	2.785315			
PHILIPPINE-C	3.331859			
TURKEY-C	2.672575			
Weighted Statistics				
R-squared	0.999273	Mean dependent var	19.26629	
Adjusted R-squared	0.999970	S.D. dependent var	6.845696	
S.E. of regression	0.037375	Sum squared resid	0.127118	
Log likelihood	264.1782	F-statistic	855439.7	
Durbin-Watson stat	0.540642	Prob(F-statistic)	0.000000	
Unweighted Statistics				
R-squared	0.996766	Mean dependent var	16.61542	
Adjusted R-squared	0.996375	S.D. dependent var	0.645407	
S.E. of regression	0.038660	Sum squared resid	0.137419	
Durbin-Watson stat	0.401637			

منبع: محاسبات محقق

از مشخصه‌های اصلی این فرایند، اتکای بیشتر به نظام بازار، خصوصی سازی و آزادسازی در ابعاد مختلف آن، اعم از تجاری، مالی و سرمایه گذاری می‌باشد. تحت فرایند جهانی شدن اقتصاد، ساختار اقتصاد هر کشوری خود را با مزیت نسبی موجود در آن کشور مطابقت می‌دهد. میزان بهره مندی مناطق و نواحی مختلف با توجه به عوامل متعدد بستگی به عوامل انسانی و طبیعی آن منطقه دارد و با توجه به آن دستخوش تغییرات قرار خواهد گرفت. از طرفی هر کشور با توجه به وجود زیرساخت‌ها و نیز توانایی‌های تکنولوژیکی اش و نیز درجه ای از اقتصاد ملی که خود را در گذشته

با رقابت بین‌المللی درگیر کرده است دچار تغییر و تحول خواهد شد.

هدف این مقاله، بررسی آثار فرایند جهانی شدن اقتصاد بر سطح اشتغال در کشور ایران و برخی کشورهای در حال توسعه با استفاده از داده‌های تلفیقی است. به این منظور از روش اثرات ثابت و روش GLS استفاده شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، شاخص‌های نسبت صادرات و واردات به کل GDP به عنوان شاخص جهانی شدن اقتصاد در مورد کشورهای مورد مطالعه، معنی دار و مطابق تئوری می‌باشد. شاخص نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به کل تشکیل سرمایه ناخالص داخلی به عنوان دیگر شاخص جهانی شدن مطابق با تئوری بوده، اما ضریب آن بی معنی است. با افزایش میزان تولید کالاها و خدمات و نسبت صادرات با تکنولوژی بالا به کل صادرات در این کشورها سطح اشتغال افزایش یافته که این امر مطابق با تئوری و از لحاظ آماری معنی دار است و بالاخره با افزایش سطح دستمزدها مطابق با تئوری، سطح اشتغال در کشورهای مورد مطالعه کاهش یافته است. تولید ناخالص داخلی بیشترین تاثیر را بر اشتغال دارد؛ از این رو باید در تدوین سیاست‌های بازار کار بر این نکته توجه ویژه شود.

پیشنهادها

نتایج به دست آمده از برآورد مدل نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی بیشترین تاثیر را بر اشتغال دارد. به همین دلیل باید در تدوین سیاست‌های بازار کار بر این نکته توجه ویژه شود. سیاست‌های بخش تولید باید به گونه‌ای باشد که امکان ایجاد اشتغال بیشتر را فراهم نماید. فناوری تولید نیز بایستی متناسب با بازار رقابتی قابل دسترس و همچنین سیاست جذب نیروی کار باشد. در کوتاه مدت، می‌توان بین رشد بهره‌وری نیروی کار و رشد اشتغال یک توازن برقرار کرد. در بلند مدت، هم برای ایجاد اشتغال بیشتر و هم شغل‌های بهتر، افزایش بهره‌وری نیروی کار اجتناب‌ناپذیر است. برخی راهکارهای لازم برای تحقق چنین اهدافی عبارت است از: گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ ایجاد فرصت‌های برابر شغلی برای همه افراد؛ اتخاذ سیاست‌های با ثبات اشتغال در سطح ملی و بین‌المللی؛ افزایش توانمندی‌های نیروی انسانی و بالا بردن بهره‌وری آنها؛ سهولت در دسترسی به اعتبارات جهت سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های کوچک اقتصادی برای افراد کم درآمد.

References:

- 1- Behkish, M. (2001), "Iran & Globalization", Ney Publications. (in Persian)
- 2- Baseri, B., (2005), "Globalization, New Economic & Labour Market in Iran", Modern Economic & Trade Publication, N1. summer. (in Persian)
- 3- Center Bank of Iran, "Change of Iran (2003-2005)". (in Persian)
- 4- Gujarati, D. N., (1995) "Basic Econometrics", MacGrow-Hill
- 5- ILO, (2004) World Employment Report 2004/5, Geneva: International Labour Office.
- 6- Lahcen A., and Khalid S., (2004) "Trade Liberalization and Employment in Moroccan Manufacturing", Global Development Network Working Paper.
- 7- Michael D. (2004), "Globalization of the world economy; Potential benefits and costs and a net assessment". Journal of Policy Modeling, 485-498
- 8- Naji, A. (2003) "The impact of Globalization on the Economic Growth, Employment & Wages in Iran", PhD thesis in Tarbiat Modares University. (in Persian)
- 9- Noferesti, M. (1999), "Unit Roots & Cointegration in Econometrics", Tehran, Rasa Institution. (in Persian)
- 10- Nazari, M. (2000), "The changes of labour market of Iran, Trends & Results", Economy-Policy Ettelaat Publications. (in Persian).
- 11- Rodrik, Dani (2002). "Feasible globalizations," JFK School of Government, Harvard University, Faculty Research Working Papers Series RWP02-029.
- 12- The Labour law of Iran (2001)
- 13- Salvatore, D. (1997), "International Economic", translated by Arbab H., Ney Publication.
- 14- Standing, Guy. (1993), Global Labour Flexibility: Seeking Distributive Justice, New York: St. Martins Press.
- 15- World Development Indicators 2005, www.worldbank.org.

Received: Jan 9 2010

Accepted: Nov 6 2010

Archive of SID